

## یای میانجی در رسم‌الخط فارسی

(ص ۲۰۱ تا ۲۲۰)

حسن ستایش<sup>۱</sup>

چکیده:

یای میانجی ابتر یا همزه‌مانند (ء) که بعد از اسامی مختوم به های غیرملفوظ بکار می‌رود؛ مانند: نامهٔ من، خانهٔ من، پدیده‌ایست که از دیرباز در متون کهن فارسی رایج بوده و بعنوان میراث زبانی و فرهنگ نوشتاری بدست ما رسیده است؛ و یاددهی و یادگیری آن برای برقراری ارتباط نوشتاری با گذشتگان و انسانهای عصر حاضر و آینده یک امر ضروریست. اکنون بیش از ده سالست که در کنار برخی تغییرات رسم‌الخط زبان فارسی بجای یای کوچک بالای های ناملفوظ، از یای بزرگ (ی) استفاده میکنند. این جریان از کتابهای درسی آموزش و پرورش شروع شد و از آن طریق به سایر مراکز نشر و چاپ گسترش یافت. علیرغم اینکه فرهنگستان زبان و ادب فارسی کاربرد یای میانجی بعد از های غیرملفوظ را به صورت همزه‌مانند (ء) تصویب کرده است؛ اما اصل تعمیم، تطابق صورت مکتوب با ملفوظ، ملاحظات آموزشی، سابقه کاربرد آن در برخی از متون گذشته و التباس آن با همزه از جمله دلایلیست که طرفداران یای میانجی بزرگ را برآن داشته است که بر اعتقاد و التزام خود به کاربرد یای بزرگ بعد از های غیرملفوظ راسخ بمانند. این مقاله به بررسی میزان اتقان دلایل فوق‌الذکر میپردازد و نتیجه میگیرد که باید مصوبهٔ فرهنگستان زبان و ادب فارسی ملاک عمل ما در ویرایش و نگارش فارسی قرار گیرد.

کلمات کلیدی:

یای میانجی، رسم‌الخط فارسی، املائی فارسی، زبانشناسی، آواشناسی.

## مقدمه :

مدتیست که در متن کتابها و مجلات و سایر مطبوعات و نوشته‌ها رسم شده است که بجای «نامه من»، مینویسند «نامه‌ی من». کاربرد چنین صورتی که آنرا «یای میانجی بزرگ» مینامند، بویژه در متون رسمی آموزشی، اجباریست. بعضی هم مینویسند «نامه من»، بدون هیچ گونه یای میانجی، نه بزرگ و نه کوچک. پرسش اینست که: آیا بعد از کلمات مختوم به های غیرملفوظ «یای میانجی کوچک»، یعنی «ه» را بکار ببریم، یا از «یای میانجی بزرگ»، یعنی «ی» استفاده کنیم، یا هیچکدام؟

البته ناگفته نماند این موضوع از حیطة متون آموزشی هم فراتر رفته است و بسیاری از ناشران هم بدون اینکه دلیل آنرا بدانند در نشریات خود بکار میبرند. در حالیکه چنین کاربردی خلاف مصوبه فرهنگستانست که میگوید: برای کلمات مختوم به های غیرملفوظ، در حالت مضاف، از علامت «ه» استفاده میشود (فرهنگستان، ص ۲۸).

دلایلی که برای کاربرد یای میانجی بزرگ بعد از های غیرملفوظ ذکر کرده‌اند معمولاً از پنج مورد تجاوز نمیکند. این دلایل عبارتند از:

۱- یای میانجی همزه نیست و از نظر آواشناسی نیز صدای آنها با هم فرق دارد. بنابراین با استفاده از یای بزرگ (ی) تمایز بین همزه و یای میانجی مشخص میشود.

۲- طبق اصل تعمیم که یک اصل علمیتست، باید از یای میانجی بزرگ استفاده کرد. زیرا در ترکیباتی مانند «رادیوی جیبی»، «سرای باقی»، «دانشجوی ممتاز»، «پای من» و «موی سیاه» یای بزرگ بکار میرود. دلیلی ندارد وقتی به «ه» غیرملفوظ میرسیم، بعلافت همزه مانند روی آوریم و بجای «نامه‌ی من» بنویسیم: «نامه من»! اصل تعمیم ایجاب میکند که یکدستی در استفاده از یای میانجی باشد.

۳- محل «ه» بالای حروف معتل (و-ا-ی) است، و آنچه روی کرسی قرار میگیرد معمولاً نادیده گرفته میشود. بنابراین بهترست از یای بزرگ استفاده شود تا آنچه تلفظ میشود در خط محفوظ بماند.

۴- خواندن و نوشتن «ی» نسبت به «ه»، آموزشی ترست و نوآموز در یادگیری آن با دشواری روبرو نمیشود.

۵- این شیوه رسم الخط ریشه در متون گذشته داشته و در کتابهای کهن فارسی نیز بکار رفته است لذا رعایت این رسم الخط میتواند ما را با میراث گذشته مان نزدیکتر کند.

### پیشینه کاربرد یای میانجی بزرگ بعد از های غیرملفوظ :

منابع موجود نشان میدهد که کاربرد یای میانجی بزرگ بعد از های غیرملفوظ، در نوشتار رسمی زبان فارسی وجود نداشته است. زیرا رسم الخط رسمی بر اساس الگوی عمومی کتابت دست نوشته‌های موجود انتخاب میشده است. یکی از این موارد یای میانجی کوچکست که در میان کاتبان گذشته کاربرد عام داشت؛ اما اولین کسی که بطور رسمی یای میانجی بزرگ را به فرهنگستان پیشنهاد کرد احمد بهمنیار بود. وی در خطابه ورودی خود به فرهنگستان در بهمن ماه ۱۳۲۱ در مورد مسائل مختلف املائی فارسی موضوعات متنوعی را طرح کرد. این خطابه در دو بخش در نامه فرهنگستان آمده است: بخش اول در نامه فرهنگستان، سال اول، شماره چهارم، آبان ۱۳۲۲ و بخش دوم نامه فرهنگستان، سال دوم، شماره اول، خرداد ۱۳۲۳ و متن کامل آن در لغتنامه دهخدا نقل شده است. وی در مقاله املائی فارسی میگوید: این رسم الخط که پیشنهاد میشود وقتی معمول بوده و رسم تازه و مخترعی نیست. (مقدمه لغت نامه ص ۱۲۱). البته بهمنیار اشاره‌ای بمنابع آن نکرده است؛ اما خود در تصحیح کتاب «الابنیه عن الحقایق الادویه» (۱۳۷۱) بعد از های غیرملفوظ، از یای میانجی بزرگ استفاده کرده است. همچنین در دایرة المعارف مصاحب (۱۳۴۵) که زیر نظر سید حسن تقی زاده معروف نگارش یافته این نوع یای میانجی بکار رفته است. بهمنیار که عضو پیوسته فرهنگستان بود تلاش فراوان نمود تا صورت (ی) را به جای یای کوچک همزه مانند (ء) تثبیت نماید؛ اما در این کار موفق نشد و خود نیز در هیچ یک از آثار قلمی خود بجز در تصحیح کتاب الابنیه هروی از یای میانجی بزرگ استفاده نکرد.

دوره جدید فرهنگستان زبان و ادب فارسی که شروع شد، تلاشهای مختلفی در جامعه ادبی فارسی زبانها برای سروسامان دادن به اوضاع آشفته شیوه نگارش خط فارسی صورت گرفت. اولین شماره فصلنامه فرهنگستان زبان و ادب فارسی که با نام «نامه فرهنگستان» در مهرماه ۱۳۷۴، به سردبیری احمد سمیعی (گیلانی) منتشر شد، از شیوه‌ای استفاده کرد که

توسط شورای بازنگری در شیوه نگارش و خط فارسی قبلاً پیشنهاد شده بود. در گزارش مجله آدینه از انتشار این فصلنامه آمده است:

«در این شماره مقالات ارزنده‌ای در باب زبان و ادب پارسی بچاپ رسیده است؛ اما شاید مهمترین ویژگی این نشریه، رسم الخط آن باشد که بر مبنای پیشنهادهای «کمسیون شیوه املائی فرهنگستان زبان و ادب فارسی» شکل گرفته است و با این توضیح که «شیوه املائی این شماره فصلنامه مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی تلقی نشود...» خوشبختانه مصوبات «کمسیون شیوه املائی فرهنگستان زبان و ادب فارسی - که در رسم الخط نامه فرهنگستان بکار رفته است - از جمله بی‌فصله‌نویسی و لزوم نوشتن کسره اضافه، همانست که در مقاله‌ی فراخوان به فارسی نویسان نوشته ایرج کابلی (آدینه‌ی ۷۲ مرداد ۱۳۷۱) و مصوبات شورای بازنگری آمده‌است.»

در عنوان «فصلنامه فرهنگستان زبان و ادب فارسی» و در جمله‌ای که در صفحه داخلی جلد نوشته شده است: «شیوه‌ی املائی‌ی این شماره‌ی فصل نامه مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی تلقی نشود» همزه بالای «شیوه املائی» حذف و بجای آن از «ی» به همراه «کسره» ای در زیر آن بهره گرفته شده است. در این شماره و چهار شماره بعدی این شیوه نگارش حفظ شد، اما بعدها این شیوه کنار گذاشته شد و به شیوه قدیمی رجعت پیدا کرد. بطوریکه فرهنگستان زبان و ادب فارسی در سال ۱۳۸۱ با انتشار جزوه‌ای بنام «دستور خط فارسی» یای میانجی بعد از های غیرملفوظ را بصورت یای کوچک تصویب کرد، همانکه در بالای «ه» غیرملفوظ قرار میگیرد. بدین ترتیب تکلیف یای میانجی بطور رسمی برای همگان روشن شد.

طرفداران یای میانجی بزرگ وقتی از فرهنگستان قطع امید کردند از راه دیگری درآمدند و آن عبارت بود از کتابهای درسی دانش آموزان. رسم الخط مذکور که اکنون علاوه بر کتابهای درسی دانش آموزان مورد استفاده برخی از ناشران و ارباب قلم قرار گرفته است در سال ۱۳۷۷ از کتابهای درسی دانش آموزان با تولید سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی شروع شد. علی‌الظاهر، علتش این بود که دانش آموزان سالهای نخستین دوره ابتدایی در نوشتن ترکیباتی مانند «نامه من» با مشکل روبرو میشدند. لذا مسئولان وقت سازمان طی جلسه‌ای با اعضاء پیوسته فرهنگستان این مجوز را گرفتند که اگر دانش‌آموزان

برای کسره اضافه از «ی» بزرگ استفاده کنند غلط گرفته نشود. (ص ۶۳ شیوه نامه) و در نهایت دانش آموزان بایستی صورت مصوب یعنی یای کوتاه شده را بکار برند. بر این اساس مقرر شد برای تسهیل در آموزش، ابتدا صورت «ی» بزرگ را آموزش دهند و بعد به تدریج صورت یای کوتاه شده را به دانش آموزان بیاموزند. اما متأسفانه سازمان پژوهش با گرفتن این مجوز به تدریج (ی) بزرگ را تنها صورت مجاز پذیرفت و آن را در تمام متون کتابهای دبیرستانی حتی دوره‌های تربیت معلم اعمال کرد و بدین ترتیب کاربرد یای میانجی بزرگ بعد از های غیرملفوظ در میان دانش آموزان و معلمان مدارس و دانشجویان تربیت معلم اشاعه یافت؛ و از آنجا بود که به سایر نشریات کشور راه پیدا کرد و از جنبه صرف آموزش ابتدایی خارج شد. البته همین جنبه آموزشی نیز اساساً پشتوانه پژوهشی نداشت و صرفاً یک تصمیم فردی و سلیقه‌ای بود که در همان زمان اعتراضات زیادی را از سوی والدین دانش آموزان برانگیخت.

### تعریف یای میانجی:

یای میانجی یکی از صامتهای میانجی است. یک عنصر آوایی است که نقش تقابلی در کلمه ندارد، بلکه صرفاً نقش میانجی دارد. واج میانجی مرز التقای دو مصوت (hiatus) قرار میگیرد که معمولاً در زبانهای مختلف از صامت انسداد چاکنایی یا همان همزه استفاده میشود (کرد زعفرانلو، ۱۳۸۱).

صامت میانجی اصلاً در تلفظ بخشهای واژه‌ها، بطور منفرد و مستقل شنیده نمیشود؛ ولی در ترکیب آنها با سایر کلمات تلفظ میشود. مشهورترین مثال در زبان انگلیسی تلفظ (r) است که بعنوان عنصر پیوند دهنده یا هموندی بین دو مصوت ظاهر میشود. یعنی وقتی که دو واژه ترکیبی که اولی به مصوت ختم شده و دومی با مصوت شروع شده باشد یک صامت بین آنها قرار میگیرد؛ مانند: draw (r)ing , India(r) and Pakistan. این پدیده را که هیچ توجیه تاریخی ندارد و در املاي آن هم دیده نمیشود در زبانشناسی صامت افزوده (intrusive consonant) میگویند.

در زبان عربی وقتی فعلی به یک مصوت ختم شود، هنگام اتصال به ضمیر متصل مفعولی (ی) که آنها هم یک مصوتست، التقای دو مصوت پیش می‌آید؛ مانند: علم + ی در «من

عَلْمُنِّي حرفاً فقد صَيَّرَنِي عبداً» که برای سهولت در تلفظ و پرهیز از التقای دو مصوت از صامت میانجی (ن) استفاده میشود. این نون را در عربی نون وقایه گویند. از ویژگیهای صامت میانجی اینست که هیچگاه تمایزدهنده معنایی نیست. یعنی واحد متقابلی روی محور جانشینی ندارد بلکه بطور طبیعی برای امکان فراگویی صورتهای زبانی میان دو مصوت متوالی ظاهر میشود. در زبان فارسی در مرز دو تکواژ اگر همزه آغازین حذف شود، یکی از صامتهای (y, v, j, h, g, d) به اقتضای بافت دستوری کلام، بجای آن بکار میروند. یعنی صامت میانجی در مرز دو هجا (یا میان دو واژه) روی محور جانشینی که التقای مصوتها میگویند پیدا میشود. در زبان فارسی چون هیچ هجایی و هیچ واژه‌ای به مصوت ابتدا نمیشود ظاهراً بحث التقای مصوتها متفی است؛ اما چون در مرز میان دو تکواژ همزه قابل حذفی میتواند پدید آید مسئله التقای مصوتها مطرح میشود. (نجفی، ص ۵۸)

بنابراین در زبان فارسی، علاوه بر یای میانجی میتوان از همزه میانجی، دال میانجی، گاف میانجی، های میانجی، جیم میانجی و واو میانجی یاد کرد. یای میانجی یکی از صامتهای زبان فارسیست که بعنوان میانجی برای پرهیز از التقای مصوت آخر کلمه و کسره اضافه که پس از آن می‌آید بکار میرود و در میان صامتهای میانجی دیگر، بیشترین بسامد را دارد؛ مانند:

موهای بلند او

گیسوی بلند او

سبزی باغ او

خانه بزرگ ما

برخی معتقدند به جای یای همزه مانند از یای بزرگ باید استفاده کنیم؛ یعنی برای کسره اضافه بیش از یک یای میانجی نداشته باشیم و بنویسیم:

خانه ی بزرگ من

پنجره ی بزرگ کلاس

پرده ی کتیف کلاس

### یای میانجی در متون کهن فارسی:

بر اساس قرآینی که وجود دارد، یای میانجی بعد از های غیرملفوظ در متون بسیار کهن دیده نمیشود. زیرا کلمات چنان تلفظ میشده است که التقای دو مصوت اساساً بوجود

نمی آمد. مثلاً استعمال علامت اضافه در متن کتابهایی مانند: نوروزنامه و تفسیر خسروپاشا و شعر ابو حفص به دو صورت (کسره یا  $\dot{I}$ ) و «ی» (=  $I$ ) معمول بوده است:

کسره: دشت بیابان، سوسن بستان، عاشق مردان، هاون زرینا، نخره سکران، ابزن صینیا  
«ی»: جامگ ی من، زبان ی من، شماری خوش، سوذی گوسپند، تن ی شما، نامه ی شما، پشیزی گوسپند، از سوی ی ... هیزی برین (صادقی، تکوین زبان فارسی ۱۳۴).  
اما در بسیاری از متون دوره اول، برخلاف فارسی دری که در آن همیشه در کلماتی بصوت ممدود «آ» ختم میشوند، در جمع به «ان» صامت «ی» میان دو مصوت درمی آید (مانند پارسا- پارسایان)، این صامت میانین وجود ندارد و بجای آن دو الف ممدود در پی هم می آید. مانند ترسان، شکیبان، دانان، توانان، نابینان، همتان، پیشوا. (خانلری ص ۸۸).  
بر این قیاس، شیوه کم و بیش معمول در زبان فارسی این بوده است که کلمات مختوم به «الف» و «واو» پیش از چسبیدن به یای الحاقی، همزه مکسور زاید بگیرند؛ مانند: دانائی و بنائی اما در بعضی از آثار مکتوب گذشته مانند «تفسیر قرآن پاک» بجای همزه از یاء استفاده شده است؛ مانند: گویی، جایی، کارهایی، ترسایی.

در تفسیر قرآن پاک، «یاء در وسط و ابتدا و همچنین یای کشیده، دو نقطه در زیرش دارد. وانگهی یای مدور (ی) در پایان کلمه در شکمش دو نقطه دارد (ی). اما یای میانجی بعد از های غیرملفوظ بصورت همزه مانند کنار (ه) آمده است که اغلب زیر آن دو نقطه وجود دارد و گاهی هم البته بی نقطه آمده است». (داودی آشتیانی ص ۴۸) مانند:

قصه ء : قصه ء آنچنان بود کی قومی بودند (۱:۶)  
گفته ء : از گفته ء خود پشیمان شدند (۸:۱۴)  
خانه ء : و برکت پی خویش اندر خانه ء ما اندر آئی (۴:۶۹)

در کتاب «الابنیه عن الحقایق الادویه» موفق الدین علی هروی، نسخه اسدی طوسی که بخط کوفیست. یای میانجی به صورت همزه مانند در کنار (ه) روی خط زمینه قرار دارد (هروی ص ۱۴) و بهمینار بعنوان مصحح این کتاب، خود بصورت یای میانجی بزرگ (ی) در آورده است.

یکی دیگر از کتب قدیمی که گفته میشود در آن از یای میانجی بزرگ بعد از های غیرملفوظ استفاده شده تفسیر سورآبادیست . در این کتاب رسم الخط برخی از کلمات از جمله یای میانجی بصورت زیر آمده است :

نامه‌ای که گواهی می دهد ← نامه ی کی گواهی میدهد (سورآبادی، ص ۲۱)  
 همچنین بعد از کلمات مختوم به های غیر ملفوظ یای همزه مانند بکار نرفته، بلکه از یای بزرگ استفاده شده و گاهی هم در نوشته هیچ واج میانجی دیده نمیشود؛ ولی از آنجا که در این ترکیب حتماً باید از واج میانجی استفاده شود بنظر میرسد که های آخر کسره دارد و ها را بعنوان واج میانجی بکار برده است.

همه عمر ← همه عمر ( همان، ص ۱۴)  
 از وقتی که توبه ایشان معلوم گشتی ایشان را ملامت کردند ← از وقت کی توبه ایشان معلوم گشتی ایشان را ملامت کردند (همان، ص ۱۶)  
 اگر مردی در خانه خویش شود مردی را بیند با زن خویش ... ← اگر مردی در خانه ی خویش شود مردی را بیند با زن خویش ... (همان، ص ۲۱)  
 در نسخه خطی تفسیر سورآبادی همچنین بینایی با یای بی نقطه نوشته شده است .

### پیدایش یای میانجی در متون معاصر

بطور کلی دو تحلیل در این زمینه وجود دارد :

- ۱- «ی» بعد از های غیرملفوظ در واقع نشانه سابق همزه بوده است. نشانه همزه نوعی صامت میانجی بود که در گذشته بر بالای حرف «ه» قرار میگرفت؛ دلیل اینکه این علامت همزه است نه ی، اینست که همزه معمولاً روی کرسی قرار میگیرد نه ی.. یعنی کرسی همزه «ء» «دندان»، «و»، «الف» و «ی» است؛ مانند سؤال، مسئله و رأی، ولی اساساً «ی» کرسی ندارد. بنابراین این علامت بایستی همزه باشد. این یک قاعده عمومی در اغلب زبانهاست که التقای بین دو مصوت از همزه میانجی استفاده میشود (کرد زعفرانلو، ۱۳۸۱).
- ۲- «ی» کوچک که بالای کلمه به شکل «ء» نوشته میشود، اصلاً و ابداً همزه عربی نیست. بسیاری از سره‌نویسان که عربی‌زدایی از زبان فارسی را وجهه همت خود قرار داده‌اند تصور کرده‌اند که چون این «یای ابتر» بالای کلمه قرار میگیرد باید همزه عربی باشد. پس



باید آن را برداشت و بجای آن «ی» گذاشت. حال اینکه آن «یای کوچک» همزه عربی نیست. مثلاً وقتی مینویسیم «نامه من»، آن «ء» که روی «ه» میبینید در واقع «همزه» نیست، بلکه نوعی «ی» است که بشکل «ی بزرگ»، ونه «ی کوچک» (ی)، البته کمی کوچکتر از حد معمول، مینویسیم. این «ی» به مرور زمان تبدیل شده است به علامتی شبیه همزه که برخی به غلط به آن «همزه» میگویند و آن را «ی» میخوانیم نه همزه و «یای میانجی کوچک» مینامیم. (دستور خط فارسی ص ۲۸)

### مخالفت با همزه میانجی:

مخالفت با همزه میانجی یا یای میانجی کوچک از سوی بهمنیار شروع شد. او در مقاله خود در مورد املاهای فارسی، ضمن قاعده ۱ چنین توضیح میدهد:

«در رسم الخط صحیح قدیم، یایی بوده است که کوچک و بی نقطه نوشته میشد... لیکن بسبب مشابهتی که به همزه داشت رفته رفته به تصرف کاتبان و ناسخان بی اطلاع به صورت همزه درآمد و همزه بی که در برخی از رسم الخطها در ترکیبات خدای جهان، دریاء بزرگ... مشاهده میکنیم و همچنین همزه بی که در بالای هاء ملین در حال اضافه و وصف رسم میکنند. (خانه من، پروانه زیبا) از اینجا پیدا شده است. رسم همزه در کلمات منتهی به الف و واو ممدود در این زمان متروک و موقوفست و بجایش همان یاء را که مطابق با تلفظ است مینویسند (گرمای تابستان و جوی آب)، لیکن رسم همزه در بالای هاء رایج و معمول مانده... و باید موقوف و متروک گردد و بجای آن یک یاء بنویسند (خانه ی من، خواجه ی بزرگ)» (لغت نامه ص ۱۶۱). البته مرحوم بهمنیار بعدها از این نظر خود عدول کرد و به املاهای صحیح بازگشت.

### تحلیلی بر کاربرد یای میانجی بعد از مصوتهای کشیده (u) و (a):

ادعا شده است که در زبان فارسی کلماتی که به مصوتهای کشیده (u) و (a) ختم میشوند هنگام افزودن کسره اضافه واج میانجی (ی) داخل میشود که لزوماً با یای بزرگ نوشته میشود.

اما باید دانست که برخی از کلمات زبان فارسی در گذشته به آی (ai) و اوی (ui) ختم میشدند اکنون در محاوره و یا زبان امروزی یای آخر آنها حذف شده‌اند؛ اما وقتی کسره مضاف میگیرند و یا قبل از یک واکه قرار میگیرند، آن یای حذف شده دوباره بازگشته و تلفظ میشود. بر این اساس «ی» هایی که در کلمات زیر قبل از «ی» نکره یا نسبت آمده است جزء کلمه هستند نه یای میانجی. برخی از این کلمات عبارتند از: بوی - بویی، روی - رویی، سوی - سویی، دلجوی - دلجویی، آهوی - آهوئی، جوی - جویی، خوی - خوئی، ابروی - ابرویی و ....

خدای - خدایی، پای - پایین، جای - جایی، کاروانسرای - کاروانسرای، همای - همایی، پارسای - پارسایی.

این قضیه در مورد کلمات عربی هم صادقست؛ مثلاً کلماتی مانند رضا و ابتدا و استثنا و استفتا، همزه آخرشان بدلیل به تلفظ در نیامدن در زبان فارسی حذف میشود، ولی وقتی که قبل از مصوت قرار میگیرد بعنوان همزه میانجی مجدداً حضور می‌یابد؛ مانند کلمات: ابتدائی، استثنائات، استفتائات و رضائی (فرهنگ مشیری، مدخلهای مربوط).

بعضی از همزه‌ها هم بدلیل پرهیز از خلط واژه عربی با همنویسه آن در زبان فارسی اصلاً حذف نمیشوند؛ مانند: جزء، سوء و ملاء که اگر یای مصدری و نسبت و یا نکره بگیرند، بهمان صورت جزئی و سوئی نوشته و خوانده میشوند. و چنین نیست که همواره همزه کلمات عربی در فارسی حذف شوند و چنین نیست که همزه های حذف شده (مانند امضا و ...) کاملاً حذف شده باشند.

اگرچه در کتابهای درسی دانش‌آموزان بدلیل این قاعده تحمیلی که «همزه آخر کلمات عربی در فارسی حذف میشوند» ترکیبهای «املای فارسی»، «انشای فارسی»، «امضای مدیر» جا افتاده است؛ جلای وطن، دعای دردمندان، اطبای حاذق، ادای دین، فدای سرت، اهدای جوازی، شهدای جنگ، عصای موسی، ایفای نقش، وفای به عهد، شفای عاجل، صفای دل. ولی بستگی به این دارد که کلمه منتهی به همزه عربی را در فارسی چگونه تلفظ کنیم؛ چون اهل زبان، بسیاری از این کلمات را با همزه تلفظ میکنند. یعنی هرچند قرار دادن «یای» میانجی بعد از کلمه‌های فارسی که به مصوت بلند «او» یا «آ» ختم میشود، در حالت اضافه شدن به کلمه‌ای دیگر یک پدیده طبیعی است؛ اما در مورد کلمات عربی بستگی به

تلفظی دارد که اهل زبان به آن عادت کرده‌اند مانند: اجزاء(ی) اتوموبیل، استهزاء(ی) مردم، استثناء(ی) بیجا، اقتضاء(ی) موقعیت، ارضاء(ی) جنسی، اتکاء(ی) به خدا، القاء(ی) مفاهیم، اشیاء(ی) منزل، غشاء(ی) سلولی، ابتلاء(ی) به بیماری، یاء(ی) نکره و التقاء(ی) مصوتها. اما تبدیل همزه به ی در ترکیبات: « آراء مردم، استقراء ناقص، ملاء عام و سوء تفاهم» به صورت: « آرای مردم، استقرای ناقص، ملای عام و سوی تفاهم» غلط است و هنوز کسی بدین صورت بکار نبرده است.

### بررسی دلایل تعمیم دهندگان یای میانجی بزرگ:

#### ۱- پرهیز از خلط همزه و ه

یای میانجی کوچک همزه نیست که بخواهیم آن را از یای بزرگ متمایز کنیم تا استقلال هر یک حفظ شود مثلاً عبارات «رای من» و «نامه من» را که در آن یک صورت املائی به دو صورت تلفظ میشود، میتوان همانند برخی از حروف الفبا که با یک صورت نوشتاری دو صوت مختلف دارند آموزش داد. مانند واو (و) در واژه‌های: وارد، بود، نوک و نو که هر یک به ترتیب نشانه اصوات (W, O, U, V) هستند. و هیچ مشکلی در خواندن و نوشتن ایجاد نگردیده است.

#### ۲- حذف شدن یای کوچک

طرفداران رسم الخط جدید معتقدند یای همزه مانند همواره روی کرسی قرار میگیرد. به همین دلیل گاه آن را لازم نمیدانند و از قلم می‌اندازند. درحالیکه حرف «ی» روی خطست و کمتر مورد غفلت قرار میگیرد. به همین دلیلست که اکنون یای میانجی از نوشته‌های روزنامه‌ها حذف شده است. بنابراین برای حفظ آن بهترست از (ی) میانجی بزرگ استفاده شود. این واج در تاییپ و حروف‌نگاری در زنجیره خط قرار میگیرد. و دقیقاً رعایت میشود و بدین ترتیب امکان حذفش نیست.

در پاسخ به این استدلال باید گفت، در زبان فارسی همچون زبان عربی، برای سهولت در خواندن متون از علایم اعراب استفاده میشود که بعدها خودبخود این علایم در نوشتن کنار گذاشته میشوند. اعراب که نوعی علایم فرازنجیری در نوشتارست ابزارهای کمکی برای سهولت در یادگیری هستند. در واقع علایمی مانند تشدید و همزه و یای میانجی و اعراب

و تنوینها جزء علایم فرازنجبری نوشتاری هستند که بدلیل رعایت اقتصاد در نوشتن بتدریج از قلم می‌افتد؛ بطوری که در برخی کلمات مانند اهمیت و موفقیت معمولاً به یک تشدید بسنده میکنند و در برخی موارد هم از گذاشتن تشدید بطور کلی صرفنظر میشود. در واقع اصل اقتصاد و ساده‌نویسی تا آنجا که در خواندن اختلال ایجاد نماید در نوشتار هم اعمال میشود.

علایم فرازنجبری در نوشتار فارسی نشانه‌های ثانوی هستند. علامت تشدید و آ و او تنوینهای ء و ؤ که بعضی مانند تنوینها و آ مستقلاً یک واج هستند و تمایز معنایی ایجاد میکنند؛ و بعضی دیگر نه. حتی اعرابهای فتحه و کسره و ضمه جایشان بالای خط زنجیره است و تمایز معنایی ایجاد میکنند (دستور خط فارسی ص ۲۰). در زبانهای فرانسه و آلمانی، علامت آکسان تمایز معنایی ایجاد میکنند و در بالای خط زنجیره قرار دارند. بنابراین وجود علایم اصوات فرازنجبری در اغلب زبانها یک پدیده طبیعی است و یای میانجی کوچک نبایستی بدلیل اینکه بالانشین است به پایین آمده و خاک‌نشین شود و برای اینکار از (ء به ی) تبدیل شود.

### ۳- رعایت اصل تعمیم

استدلال دیگری که برای توجیه کاربرد یای میانجی بزرگ بعد از های غیرملفوظ (های بیان حرکت) می‌آورند، اینست که وقتی تمامی کلمات مختوم به واکه، موقع افزودن کسره اضافه برای مضاف و مضاف‌الیه و موصوف و صفت از (ی) استفاده میشود، چه دلیلی دارد برای واکه‌های a, e, بکار نبریم. طبق اصل تعمیم باید بعد از واکه‌های (e و a) هم از یای میانجی بزرگ استفاده شود.

اگر تلفظ یای میانجی را از زبان گویندگان یک بار دیگر مرور کنیم، می‌بینیم تعمیم چنین اصلی اساساً امکان‌پذیر نیست. زیرا تعمیمی است که تعداد استثنائاتش بیشتر از قاعده است. به این مثالها توجه کنید:

رادیو(ی) جیبی، مترو(ی) تهران، آسیا(ی) شرقی، سبوز(ی) آب، سبزی( ) تازه، پرتو( ) خورشید، خسرو( ) خوبان

چنانکه ملاحظه میکنید چنین نیست که یای میانجی بزرگ (ی) پس از همه مصوتها به کار رود. حتی در بعضی از ترکیبات مانند «سبزی تازه» اساساً مورد استفاده واقع نمیشود؛

بنابراین در اینجا اصل تعمیم رعایت نمیشود و کودک نوآموز متوجه است که (ی) دوم را تلفظ میکند ولی نمینویسد. بدین ترتیب تعمیم یای میانجی بزرگ اصلاً قابلیت دفاع ندارد. وانگهی زبان همیشه تعمیم بردار نیست و نمیتوان به زور یک اصل یا قاعده را همگانی و استثنانپذیر کرد. این اصل اولیه زبانشناسی را نباید فراموش کرد که قواعد زبان توصیفی هستند نه تجویزی. چون مردم اول سخن میگویند بعد زبانشناس و دستورنویس قواعد آن را استخراج مینماید.

#### ۴- تطابق ملفوظ و مکتوب

یک قاعدهٔ املا آنست که آنچه به تلفظ در می‌آید باید بهمان گونه نوشته شود (بهمینار، ص ۱۱۸). بر این اساس یکی از دلایل بکارگیری یای میانجی بزرگ بعد از های غیر ملفوظ اینست که تغییرات املائی ناشی از تغییرات آوایی است که به مرور در تلفظ واژه‌ها بوجود می‌آید، ولی بعضی از املاها در برابر تغییرات آوایی همچنان مقاومت کرده‌اند مانند خواهر و خویش و ... این قضیه در زبانهای دیگر از جمله زبان انگلیسی نیز صادقست و کلماتی که به نوآموزان آموزش داده میشود؛ مانند: picture (عکس) neighbor (همسایه) و night (شب) همچنان با همین املا در کتابهای درسی نوشته میشود و فرهنگستان زبان انگلیسی هیچگاه بدلیل دشواری املا و تلفظ آنها اقدام به اصلاح خط نکرده است. یای میانجی کوچک به دشواری کلمات یادشده برای دانش آموزان ابتدایی نیست. وانگهی قرار نیست که صورتهای نوشتاری همهٔ کلمات باید منطبق با تلفظ آنها باشد.

#### ۵- آموزشی بودن و سهولت در یادگیری

طرفداران رسم الخط جدید برای بکارگیری یای میانجی بزرگ، موضوع آموزشی بودن و سهولت در یادگیری را مطرح میکنند و میگویند: یای میانجی بزرگ آموزشی تر از یای میانجی کوچکست. در پاسخ باید گفت: این ادعا هیچگونه پشتوانهٔ پژوهشی ندارد که دشواری یادگیری صرفاً برسم الخط مربوط میشود، نه چیز دیگر. گو اینکه قرنهاست که با همین یای میانجی کوچک تدریس میشود و هیچ مشکلی در یادگیری پدید نیامده است.

اگر قرارست یای میانجی بزرگ را - که ظاهراً آموزشی تر است - به نوآموز یاد بدیم در آموزش (پرتو خورشید و سبزی تازه) اصلاً آموزشی در مورد (ی) صورت نمیگیرد؛ زیرا (ی) در این کلمات نمود خارجی ندارد. کسانی که برای (ی) میانجی بزرگ دل میسوزانند

اینجا (یعنی در ترکیبهای پرتو خورشید و سبزی تازه) باید به دادش برسند که از صحنه خارج شده است. زیرا یایی دیده نمیشود که آموزش داده شود. (یعنی نوشته نمی شود سبزی ی تازه).

چنین نیست که همه خوانندگان و نویسندگان همواره در مرحله نوآموزی بمانند و نویسندگان همواره ملزم به نوشتن صورت آموزشی آن باشند؛ بطوری که همه کتابهای دانشگاهی و مکاتبات استادان هم با صورت آموزشی یای میانجی نوشته شوند. وانگهی اگر قرار باشد رسم الخط به نحوه بیان نزدیک باشد باید اشتباهاتی که برخی از دانش‌آموزان تکرار میکنند درست باشد چون به نحوه بیان نزدیک است؛ مانند وقتی که به جای «راجع به» مینویسند «راجب». این استدلال اساساً غیرزبان‌شناسانه و نادرست است.

در سال ۱۳۷۷ بدون اینکه پژوهشی در کار باشد، کارشناسان سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، دشوار بودن یادگیری یای میانجی کوچک را مفروض گرفته و بجای اینکه مشکل و مسئله را از طریق شیوه‌های نوین تدریس حل کنند صورت مسئله را عوض کردند و «ء» بالای «ه» را حذف کردند و بجای آن (ی) بزرگ بکار بردند که به اصطلاح نسبت به یای میانجی کوچک آموزشی ترست. غافل از این که دشواری آن مانند بسیاری از موارد دیگر بشیوه تدریس آن برمبگشت نه رسم الخط. در واقع کارشناسان برنامه‌ریزی درسی بخود زحمت ندادند که شیوه آسانتری برای آموزش یای کوچک میانجی بیابند. گو اینکه قبلاً چندان دشواری مشاهده نمیشد و لذا دست به حذف آن بردند. در حالیکه لازم نبود املائی را که قرن‌ها با آن کتابهای غنی و علمی فراوانی نوشته شده است تغییر بدهند و نسل جدید را با میراث املائی نیاکانمان بیگانه نمایند. حقیقت اینست که یای میانجی کوچک هیچ اختلالی در امر آموزش ایجاد نکرده بود که آن را به (ی) بزرگ تغییر دهند. اگر منظور از آموزشی تر بودن یای بزرگ اینست که خواندن خود (ی) نسبت به (ء) ساده و آسانست، پس یادگیری این (ی) تا کی باید آموزشی باشد؟ یک مطلب هرقدر هم سخت باشد وقتی بطریقی آموزش داده شود که همه یاد گرفته باشند، دیگر لزومی ندارد همواره تکرار شود، زیرا خواننده همیشه نوآموز نمیماند؛ و بعد از یادگرفتن یای میانجی در خواندن مجدد آن دیگر با مشکل روبرو نمیشود.

اگر ویژگی «آموزشی بودن» معیار املای صحیح کلمات فارسی باشد و در واقع به نفع آموزش نوآموزان، املای کلماتی که قرنهاست به یک صورت مضبوط است تغییر یابد، باید این اصل در مورد کلیه کلماتی که دارای املای دشواری هستند اعمال گردد. مریبان و معلمان کودک میدانند یکی از معضلات آموزشی نوآموزان چنانکه گفتیم اعرابهایی است که در نوشتار فارسی حذف میشوند. همچنین است کسره‌های متفاوتی که تلفظ میشود ولی نمود نوشتاری ندارد؛ مثلاً در جمله «برادر من آمده است» دو نوع کسره وجود دارد که به دو صورت مختلف نمود نوشتاری دارد و نوآموز در تشخیص و تمایز آنها واقعاً با دشواری روبرو میشود و برای این معضل توجیه مناسبی از معلم و مربی خود نمی‌یابد و اغلب نیز به اشتباه می‌افتد؛ بخصوص که اگر دانش‌آموز غیرفارسی زبان باشد. در بسیاری از مناطق دو زبانه کشورمان اغلب دانش‌آموزان تا سالهای بالاتر، با این مشکل دست و پنجه نرم میکنند. کسانی که در فکر آموزشی بودن یای میانجی بزرگ هستند برای چنین معضلاتی هیچ کاری انجام نداده‌اند.

همچنین در زبان فارسی حروف زیادی هستند که چند صدای متفاوت دارند و بسیاری از صداها با چند حروف متفاوت نوشته میشوند. اینها مواری هستند که دشواریهای زیادی در خواندن و نوشتن ایجاد میکنند. اگر بنا بر تسهیل است باید به آسان‌خوانی و آسان‌نویسی همه این موارد توجه شود و این حساسیتها صرفاً به یای میانجی معطوف نگردد. بدخوانی و دشواریهای کلمات فوق آشکارتر از (ه) است.

## ۶- سابقه دیرین یای میانجی بزرگ

یای میانجی بزرگ بعد از های غیرملفوظ در بعضی از متون قدیمی فارسی نیز بکار میرفته است. کتابهایی که تاکنون در این زمینه شناخته شده است، عبارتند از: *الابینه هروی*، *دائرة المعارف مصاحب*، *تفسیر سوراآبادی* و *تفسیر قرآن پاک* که شرح آنها در ابتدای این مقاله آمد.

در این زمینه باید گفت: اولاً هزاران نسخه خطی قدیمی داریم که در همه آنها از یای میانجی کوچک استفاده شده است و به صرف اینکه از میان کلیه متون کهن فارسی تعداد انگشت‌شماری کتاب خطی پیدا شده است که بعد از های غیرملفوظ از یای میانجی بزرگ استفاده کرده است نمیتوان تمامی آن نسخ کهن را نادیده بگیریم و خطی را که طی بیش از هزار سال نهادینه شده است عوض کنیم. دلیلی ندارد یک رسم الخط را که قرن‌ها به یک

صورت در متون نوشتاری بکار میرفته و در نسخه‌های خطی و چاپی مضبوط است به هم بزینم و نسل جدید را از همان ابتدا با رسم‌الخط دیگری عادت دهیم که وقتی با متون پیشین روبرو شود دچار بدخوانی و گمراهی شود. مگر یای میانجی کوچک چه مشکل لاینحلی را ایجاد کرده است که عده‌ای در نگارش کتابهای درسی مجبور شدند شکل آنرا عوض کنند.

#### ۷- یای میانجی بزرگ در چاپ

استدلال دیگر اینست که بسیاری از مطبوعات اصلاً یای میانجی کوچک را ننویسند، چون این حالت برای حروفچین آسانترست. حروفچین برای تایپ کردن «ه» باید یک فشار انگشت اضافی وارد کند!

البته بخاطر تنبلی حروف چین یا تایپیست که حوصله ندارد یک فشار انگشت به دکمه شیف‌ت صفحه کلید وارد کند نمیتوان غلط نوشت. ثانیاً ی بزرگ بدون اسپیس در تایپ نمی‌افتد مگر اینکه دو دکمه دیگر یعنی شیف‌ت و اسپیس را بزند تا فضای اضافی برای ی بزرگ از بین برود. در واقع یای میانجی بزرگ نه تنها از نظر زمان نسبت به یای کوچک مقرون بصرفه نیست بلکه دو برابر بیشتر زمان صرف میکند.

اما از نظر صرفه‌جویی فضای کاغذ، حقیقت اینست که اگر همین (ی) میانجی بزرگ را حذف کنند و بجای آن از «ه» استفاده کنند، خود «ی» با نیم‌فاصله آن در هر بار نیم‌سنتی متر مربع فضای کاغذ را اشغال میکند که اگر بطور متوسط در هر صفحه حداقل دو بار یای بزرگ تکرار شود سالانه ۱۴۰ میلیون جلد کتاب صد صفحه‌ای، میزان ۱۴۰۰ متر مربع کاغذ مصرف میکند که در صورت رعایت یای میانجی کوچک سالانه بودجه کلانی ذخیره میشود. اگرچه ممکنست بدلیل صفحه‌آرایی و پاراگراف‌بندی و فضا‌سازی، صفحات و نیم و ربع صفحاتی از کتاب عمداً سفید میماند که آن را اصطلاحاً سفیدخوانی میگویند و نقش زیادی در یادگیری دارد؛ ولی این جاهای سفید را پر از (ی) میانجی کردن چه فایده آموزشی دارد؟ جز اینکه سیاه‌خوانی زائدست. نباید فراموش کرد که زبان نوشتار رو به اختصار و ریاضی‌شدنست؛ در حالیکه ما داریم با پرکردن صفحات از یای میانجی بزرگ، آن را طولانی‌تر میکنیم.



چند نکته دیگر درباره یای میانجی بزرگ:

#### ۱- زیبایی در رسم الخط

به اذعان همه اهل هنر و زیبایی، نوشتن یای میانجی بزرگ، کلمه را زشت میکند. بخصوص اگر یک جمله بخت برگشته‌ای مانند جمله زیر را بخواهیم با «ی» بزرگ بنویسیم. «به استثناء غلطهای املائی نسخه اصلی نامه آن خسرو فرزانه‌مان، همه غلطهای دستوری نامه وی را پیگیری کردم».

«به استثنای غلط‌های املائی نسخه ی اصلی نامه ی آن خسروی فرزانه ی مان، همه ی غلط‌های دستوری ی نامه ی وی را پی گیری کردم».

ملاحظه میکنید ضمن اینکه طول جمله بیشتر از جمله اول شده است ترکیب نازیبایی از کلمات بدست داده است. در حالیکه یای میانجی کوچک زیبایی خاصی در ترکیب حروف ایجاد میکند.

#### ۲- یای میانجی در فرهنگهای فارسی

از گذشته تا کنون دهها فرهنگ لغات فارسی نوشته شده‌اند. از فرهنگ دهخدا گرفته تا آخرین فرهنگ که در زمان نگارش این سطور «فرهنگ سخن» میباشد، هیچکدام مدخل مثلاً «خانه خدا» را بمعنای خانه کعبه که مسلمانان برای زیارت دور آن طواف میکنند، بصورت «خانه‌ی خدا» ثبت و ضبط نکرده‌اند و مطمئناً هم بصورت اخیر تغییر نخواهند داد؛ چون یای همزه مانند ریشه در میلیونها کتاب موجود در کتابخانه‌های دنیا بویژه کشورمان دارد. وانگهی کسانی که کتاب مینویسند، فقط برای ایران و آنها هم یک عده خاص اقلیت که به تازگی رسم الخط یای میانجی بزرگ را پذیرفته‌اند دست به قلم نمیرند. متنی که نوشته میشود معطوف به نسلهای آینده هم هست و شاید بیشتر همین هدف مدنظر باشد. وانگهی غیر از ایرانیان، مردمان فارسی زبان دیگری نیز هستند که در سایر کشورهای فارسی زبان مانند تاجیکستان، افغانستان، پاکستان و کشورهای غیرفارسی زبان زندگی میکنند و بر حسب سنت خط نیاکان خود با همین یای میانجی کوچک (ه) مانوسند. همچنین کسانی که بتازگی میخواهند زبان فارسی یاد بگیرند، در مراجعه به فرهنگ لغت بعنوان یک کتاب مرجع، وقتی با پدیده عجیب و غریب (ی) بزرگ بعد از های غیرملفوظ روبرو میشوند و میبینند که چنین پدیده‌ای در هیچ فرهنگ لغتی وجود ندارد و یا در آثار

مکتوب گذشتگان دیده نمیشود دچار گیجی و سردرگمی میشوند؛ که این بزرگترین لطمه به گسترش زبان فارسی میزند.

به علاوه، کاربرد یای میانجی بزرگ بعد از های غیرملفوظ در همه کتابهایی که منتشر میشود جریان ندارد. و هر مؤلف یا ویراستاری برحسب سلیقه خود از آن استفاده میکند. این ناسازگاری در کتابهای درسی مدارس اصلاً قابل توجه نیست؛ جز اینکه دانش‌آموزان را به تعارض فکری می‌افکند. حتی در مواردی بدلیل بکار نبردن یای میانجی بزرگ، از دانش‌آموزان غلط‌املائی گرفته میشود و بهمین دلیل نیم نمره از نمرهٔ املائی آنها کسر میشود. در حالیکه دانش‌آموز حق دارد اعتراض کند که این رسم‌الخط را از کتابهای غیردرسی یا مطبوعات و نشریات دیگر آموخته است.

### ۳- آراء صاحب نظران و ادیبان

باید دانست هیچیک از استادان بزرگ سخنوری و ادبیات فارسی توصیه نکرده‌اند که باید «ی» میانجی بجای «ء» قرار داد. هرگز علی‌اکبر دهخدا، محمد معین، بدیع‌الزمان فروزانفر، پرویز ناتل خانلری و... توصیه نکرده‌اند، که این چنین باید نوشت و هرگز ایشان در کتب و آثار خویش از «یای» میانجی بزرگ استفاده ننموده‌اند. بهمینار خود که مبدع این رسم‌الخط بود و اولین بار در تصحیح کتاب الابنیه هروی یای میانجی بزرگ را اعمال کرد حتی کتابهای خود را که بیش از ده جلد است با این رسم‌الخط چاپ نکرد. وی که عضو پیوسته فرهنگستان بود و برای اولین بار پیشنهاد یای میانجی بزرگ را مطرح کرد در واقع بعنوان واعظ غیر متعظ به نصیحت مجانی پرداخته و حتی در همان مقالهٔ مشهور خود اصلاً این رسم‌الخط را رعایت ننموده است. این نکته را محمد معین نیز تصریح کرده است:

«نشانهٔ بالای های بیان واکه در آخر کلمات، در دستور خط فارسی نامش یای کوتاه یا یاء ابتر (فروزانفر) است، ربطی بصوت همزه ندارد. شکل همزه مانند مخفف «ی» است (همزهٔ بدل از یا) و برای سهولت آن را بکار برده‌اند و چند قرنست که استعمال آن معمولست و لزومی برای بازگشت به اصل متروک نیست...» بهمینار بعدها تغییر عقیده داد و از عقیدهٔ مذکور در فوق عدول کرده است» (معین: ۱۳۴۱، ص ۳۵).

نتیجه :

به تصریح نویسندگان دستور زبان و آگاهان فن نویسندگی قرار دادن «ی» میانجی بعد از های غیرملفوظ بدلائل زیر از لحاظ رسم الخطی کاملاً غلط است:

- ۱- کاربرد یای میانجی کوچک باعث «درست خواندن» و «بهرتر خواندن» میشود .
- ۲- بکارگیری یای میانجی کوچک ، زیبایی و جلوه خاصی در رسم الخط ایجاد میکند:
- ۳- واج میانجی که میان دو مصوت قرار میگیرد ، دارای استقلال دستوری و معنایی نیست. بلکه فقط نقش میانجی دارد . بنابراین ضرورتی ندارد حضور نوشتاری داشته باشد. مانند یای میانجی بعد از واژه‌های «زردی» و «سرخی» در زردی (ی) من از تو، سرخی (ی) تو از من، پرتو (و) خورشید. چنین است در زبان انگلیسی که بین دو مصوت «۲» میانجی قرار میگیرد و تلفظ میشود ولی نوشته نمیشود.
- ۴- یای میانجی بزرگ موجب غلط خوانی در متن و سبب انفصال در رسم الخط میشود، یعنی بجای آنکه «ب» خوانده شود، گاهی «ای» خوانده میشود و بارها در کلاسهای درس دیده میشود که شاگردان مثلاً « نامه ی من» را غلط میخوانند. این مورد شامل دبستان تا دانشگاه است و اکثراً دچار خط میشوند.
- ۵- در کتابهای درسی پیشین که «یای» میانجی بزرگ بعد از کلمات مختوم به های غیر ملفوظ نوشته نمیشد، گمان میرود هیچ کسی در خواندن ترکیباتی مانند: «جامه سپید» اشتباه نمیکرد. بنابراین دلیلی ندارد بر اساس سلیقه بعضی اشخاص معدود باید شیوه رسم الخط این قبیل کلمه‌ها را عوض نمود.
- ۶- سهولت در آموزش که بطور ضمنی برای نخستین سالهای دوره ابتدایی باعث صدور مجوز بکارگیری آن از سوی فرهنگستان گردید، لزومی ندارد برای تمام پایه‌ها و مقاطع تحصیلی، حتی تمامی کتابهای غیردرسی بکار رود . وانگهی وقتی دانش آموزان در کتابهای غیردرسی و مجلات و روزنامه‌ها و سایر نوشته‌ها با رسم الخطی روبرو میشوند که این دستور رعایت نشده است، دچار تعارض و سردرگمی میگردند.

فهرست منابع :

- ۱- بهمنیار، احمد (۱۳۲۲آبان)، «املای فارسی»، نامه فرهنگستان، سال اول شماره چهارم، صفحه ۴۲.
- ۲- بهمنیار، احمد (خرداد ۱۳۲۳)، «املای فارسی»، نامه فرهنگستان، سال دوم شماره اول، صفحه ۵
- ۳- حق شناس، علی محمد (۱۳۷۶)، همزه در زبان و خط فارسی، تهران: چهارمین کنفرانس زبان‌شناسی.
- ۴- خانلری، پرویز ناتل (۱۳۷۷)، تاریخ زبان فارسی. جلد دوم. چاپ ششم، تهران: انتشارات فردوس، ص ۸۸.
- ۵- خیام، عمر (۱۳۱۲)، نوروژنامه. به کوشش مجتبی مینوی، تهران: (بی نا)
- ۶- داودی آشتیانی، حسین (۱۳۵۷)، ویژگیهای املایی دستنویس تفسیر قرآن پاک، تهران: فرهنگستان زبان ایران، ص ۴۸.
- ۷- داودی، حسین (۱۳۷۳)، شیوه‌های خط و املای فارسی، تهران: دفتر برنامه‌ریزی و تالیف کتابهای درسی، (نشریه شماره ۱۶۶).
- ۸- دهخدا، علی اکبر (بی تا)، لغت نامه، تهران: موسسه لغت نامه دهخدا، ص ۱۱۴
- ۹- رواقی، علی (۱۳۸۳)، تفسیر قرآن پاک، با مقدمه حافظ محمود خان شیرانی و ترجمه مقدمه عارف نوشاهی، تهران: سمت و پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- ۱۰- سوراآبادی، عتیق بن محمد (۱۳۵۳)، تفسیر سوراآبادی، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- ۱۱- صادقی، علی اشرف (۱۳۵۷)، تکوین زبان فارسی، تهران: دانشگاه آزاد ایران.
- ۱۲- صادقی، علی اشرف (۱۳۶۵)، التقای مصوتها و مسئله صامتهای میانجی، مجله زبان‌شناسی، شماره ۶، ص ۳-۲۲.
- ۱۳- صادقی، علی اشرف (۱۳۵۰)، خصوصیات زبانی تفسیر قرآن پاک، مجله دانشکده ادبیات دانشگاه تهران، دوره ۱۸، شماره ۳، صص ۳۴-۶۵.
- ۱۴- فرهنگستان زبان و ادب فارسی (۱۳۸۵)، دستور خط فارسی، چاپ ششم، تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- ۱۵- کابلی، ایرج (۱۳۷۱)، درست‌نویسی خط فارسی، شماره آدینه ۷۲.
- ۱۶- کرد زعفرانلو کامبوزیا، عالیه (۱۳۸۱)، همزه در زبان فارسی، مجله علمی پژوهشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، شماره ۵۴، دوره ۵۲.
- ۱۷- مشیری، مهشید (۱۳۷۴)، فرهنگ زبان فارسی، چاپ سوم، تهران: سروش.
- ۱۸- مصاحب، غلامحسین (۱۳۴۵)، دایرة المعارف مصاحب. تهران: ناشر کتابهای جیبی.
- ۱۹- معین، محمد (۱۳۴۱) اضافه، چاپ سوم، تهران: ابن سینا، ص ۳۵.
- ۲۰- معین، محمد (۱۳۷۵)، فرهنگ‌نامه فارسی جلد اول، چاپ نهم، تهران: موسسه انتشارات امیرکبیر.
- ۲۱- نجفی، ابوالحسن (۱۳۵۸)، مبانی زبان‌شناسی و کاربرد آن در زبان فارسی، تهران: دانشگاه آزاد ایران، ص ۵۸
- ۲۲- نوشاهی، عارف (۱۳۷۳)، تفسیر قرآن پاک، بکوشش و با تعلیقات علی رواقی با مقدمه حافظ محمودخان شیرانی، تهران: (بی نا)